

## پولس و شریعت<sup>۱</sup>

بابک خاصه خان

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی، رشته ادیان و عرفان، تبریز، ایران

حبیب بشیرپور<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، رشته ادیان و عرفان، تهران، ایران

### چکیده

با آنکه دیدگاه پولس در باره شریعت هسته اصلی الهیات او را تشکیل نمی‌دهد، اما این موضوع یکی از بحث برانگیزترین و در عین حال پر دامنه‌ترین مباحث الهیاتی است. بسیاری از الهی‌دانان و متکلمان بر این عقیده‌اند که او منکر شریعت، و به‌ویژه شریعت موسوی بود و به تعبیری او شریعت را عامل رهایی نمی‌شناخت. برخی دیگر نیز او را تحریف‌کننده تعالیم مسیح می‌دانند. اما به واقع آرای او در باره شریعت برخاسته از نوع مسیح‌شناسی اوست و بدون توجه به این نکته، درک دیدگاه او در زمینه شریعت، درکی ابتر و ناقص خواهد بود. نکته دیگری که باید در نظر داشت آن است که چنانکه آندر هیل معتقد است، پولس را باید بیشتر یک عارف دانست تا یک متکلم و الهی‌دان عقل‌گرا. از این رو، او به موضوع شریعت از منظر یک عارف می‌نگریست و نه از منظر یک متکلم. هم‌چنین باید این نکته را در نظر داشت که او با باز تعریف مفاهیم دین یهود، به‌ویژه شریعت آن، در پی برقراری پیوند میان یهودیان و غیر یهودیان بود. در این مقاله تلاش شده است تا نشان داده شود که نفی شریعت توسط پولس امری نسبی است و نه مطلق، و این‌که میزان توجه افراد به شریعت با توجه به موقعیت قومی، دینی و ایمانی آنان تغییر می‌کند.

### کلید واژه‌ها

پولس، شریعت، مسیح‌شناسی، نفی شریعت، الهیات مسیحی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): h.bman11@yahoo.com

### اوضاع سیاسی، اجتماعی و فکری دوران پولس

برای بررسی اندیشه‌های افراد برجسته و تأثیرگذار هر دین، بررسی تاریخ زندگی آنها از نظر زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، زیرا شخص محصول جامعه خود است و به هیچ وجه نمی‌تواند کاملاً خود را از رسوبات فکری که در طول سال‌های زندگی در عمق ذهنش نشسته‌اند، برهاند. هیچ یک از مشاهیر بزرگ ادیان مختلف، تعالیم خود را در خلاء به وجود نیاورده‌اند، بلکه همه آنها متأثر از شرایط و عناصر فکری غالب بر جامعه خود بوده‌اند. بنابراین، بررسی اندیشه‌های آنان بدون بررسی سرگذشت‌شان تحلیلی ناقص خواهد بود. پولس نیز به عنوان اولین و تأثیرگذارترین الهی‌دان مسیحی<sup>۱</sup> از این قاعده مستثنی نیست. وی در جامعه‌ای می‌زیست که دست‌کم سه جریان عمده دینی و فکری در آن رواج داشت. جریان اول یهودیان بودند. در آن ایام فرقه‌هایی چون صدوقیان، اسنی‌ها، فریسیان و زیلوت‌ها جامعه یهودیان را تشکیل می‌دادند. صدوقیان از نظر سیاسی بانفوذترین گروه یهودی بودند. آنها بیشتر به طبقه اشراف تعلق داشتند و عقیده به ملائکه و مکاشفات تازه را رد می‌کردند. گروه دوم، یعنی اسنی‌ها در انتظار ظهور مسیح بودند و زندگی‌شان بنابر موازین تورات تنظیم می‌شد و گروه سوم، یعنی فریسیان، که پولس نیز از زمره آنان بود، به رشد و پارسایی شخصی از طریق تورات کتبی و شفاهی باور داشتند.<sup>۲</sup> گروه چهارم زیلوت‌ها بودند که با رومیان از دل و جان مخالفت می‌کردند و همیشه در حال طغیان و شورش بودند. این گروه‌های چهارگانه یهودی به‌رغم اختلافات عمیق در رویکرد خود نسبت به مسائل مختلف، در بسیاری از زمینه‌ها عقاید مشترکی داشتند. آنها با اعتقاد راسخ به خدای واحد متعال، او را می‌پرستیدند؛ تجربه‌های پیامبرگونه از درک بی‌واسطه جلال خداوندی در میان آنها به فراوانی یافت می‌شد؛ همه آنها در انتظار ظهور مسیح بودند که از صهیون برمی‌خیزد، کفر و بی‌دینی را از میان می‌برد و عدالت خداوند را آشکار می‌کند و به واسطه او خداوند قوم برگزیده خود را نجات می‌دهد.

1. Karesh, S.E. & Hurwitz, M. M., *Encyclopedia of Judaism*, New York, 2006, p.338.

۲. اسمارت، نینیان، تجربه دینی بشر، ترجمه محمد محمد رضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۲، صص ۴۴-۴۷.

جریان دینی دوم که در زمان پولس ظهور کرد، مسیحیان بودند که به‌رغم رعایت شریعت موسوی، به مسیح بودن عیسی (ع) نیز اعتقاد داشتند، اما یهودیان راست‌کیش آنها را به عنوان بدعت‌گذار می‌شناختند. جریان سوم، یا غیر یهودیان، بیشتر متأثر از فرهنگ یونانی و به‌ویژه فلسفه‌های نوافلاطونی، رواقی و گنوسی بودند.

شرایط خانوادگی پولس این امکان را برای او فراهم ساخت تا هم تحصیلات دینی و هم تحصیلات غیر دینی داشته باشد و این امر موجب شد که او با نحله‌های فکری موجود در جامعه کاملاً آشنا باشد.

### باورها و امیدهای پولس

پولس یک فریسی متعصب از فرقهٔ بیت شماء بود<sup>۱</sup> و متعصبانه چنین باور داشت که وعده‌های بزرگ پیامبران بنی‌اسرائیل هنوز محقق نشده و داستان نجات هنوز به انجام نرسیده است. به باور او قوم اسرائیل هنوز احیا نشده و یهوه برای شکست دادن همهٔ مخالفان بر کوه صهیون نایستاده است. هم‌چنین معبد جدید حزقیال با رودخانه‌هایی که آب شفابخش از آن جاری می‌شود، ساخته نشده است و پیشگویی‌های اشعای نبی در بارهٔ آسایش، بخشش، صلح و کامیابی به طور کامل تحقق نیافته است. او هم‌چون اکثر یهودیان دیندار، منتظر وقوع رویدادهای بزرگی بود که آموزه‌های کتاب مقدس وعدهٔ آن را می‌داد. پولس وظیفهٔ دینی خود می‌دانست تا برای رسیدن به این اهداف بکوشد و در صورت لزوم، برای تحقق این امور به خشونت نیز متوسل شود. از نظر او قوم بنی‌اسرائیل قوم برگزیدهٔ خداوند بود. خداوند آنها را برگزید تا نوری باشند که دنیای تاریک را روشن می‌کنند و به واسطهٔ آنها خداوند گناه انسان‌ها را می‌بخشد. اما آنها گناهکار بودند و در نتیجه، نه تنها از سرزمین ظاهریشان (اورشلیم)، بلکه از نظر پولس از سرزمین اصلی شان، یعنی ملکوت خداوند نیز تبعید شده بودند. آنها اگر چه از نظر جغرافیائی از تبعید بازگشته بودند، اما شرایط واقعی تبعید هنوز از میان نرفته بود و از نظر روحی هنوز در تبعید بودند.<sup>۲</sup>

1. Wright, N.T, *What St Paul Really Said*, Oxford, 1997, p.26.

2. Ibid, p.29.

### مفهوم شریعت

شریعت در اصل واژه‌ای عربی است که به محل برداشتن آب گفته می‌شود و بعدها در زمینه بایدها و نبایدهای دینی هم به کار رفت و به همین سبب، تشریح معنی قانون‌گذاری یافت. از نظر اصطلاحی، شریعت به قوانینی اطلاق می‌شود که از سوی شارع وضع شده‌اند. البته این اطلاق گاهی دامنه وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و معادل دین به کار می‌رود.<sup>۱</sup> در کتاب مقدس شریعت به چندین معنی به کار رفته است. این واژه گاه به دستوراتی اطلاق می‌شود که توسط خداوند و یا توسط رهبران فرهنگی، معلمان و والدین داده می‌شود و گاه به اسفار پنجگانه اشاره دارد<sup>۲</sup> و گاه نیز در برابر عهد جدید و انجیل به کار می‌رود و در این حالت، تقریباً معادل عهد قدیم یا تورات است.<sup>۳</sup> در برخی موارد نیز منظور از شریعت، قانون روم و یا آداب و سنن اجتماعی است.<sup>۴</sup> اما رایج‌ترین مفهوم شریعت مربوط به قوانینی است که خداوند در طور سینا به حضرت موسی (ع) عطا کرد، قوانینی که بخش آیینی شریعت کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد و به باور یهودیان مشمول گذر زمان نمی‌شود و تمام شئون زندگی آنان را دربرمی‌گیرد.<sup>۵</sup>

به باور یهودیان، پس از هبوط انسان به سبب گناه آدم، خداوند به واسطه عهدی که با قوم بنی‌اسرائیل بست، شریعت را به آنان هدیه داد.<sup>۶</sup> این عهد پس از پیمان الهی با ابراهیم (ع) و نوح (ع) مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیمانی به شمار می‌رود که خداوند با موسی (ع) در کوه سینا بسته است و بر مبنای آن یهوه، یا خدای متعال در قبال فرمانبرداری و اطاعت قوم از او امرش، آنان را از دست مصریان نجات داد و در آینده، آنان را به شکوه، جلال، مکتنت و نیز ریاست بر کل عالمیان خواهد رساند. بنابراین، یهودیان و حتی غیر یهودیان نیز نه تنها می‌بایست احکام شریعت را رعایت کنند،<sup>۷</sup> بلکه می‌بایست به آنها عشق بورزند و

۱. هاشمی، سید علی، «شریعت در مسیحیت»، معرفت، ش ۱۵۸، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۶.

2. Fleming, D., *Bridgeway Bible Dictionary*, Brisbane, 2004, p. 274.

۳. هاروی، ون آستن، فرهنگ الهیات مسیحی، ترجمه جواد طاهری، تهران، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۷.

4. Utley, B., *The Gospel According to Paul: Romans*, Texas, 1998, p.56.

5. Bayes, J., *The Threefold Division of the Law*, Newcastle, 2002, p. 3; Atkinson, K., *Judaism*, Chelsea, 2004, p.17.

۶. صادق نیا، مهرباب، «پولس و شریعت»، هفت آسمان، ش ۲۵، ۱۳۸۵ش، ص ۳۶.

7. Luther, Martin, *Commentary on the Epistle to the Galatians*, T.Graebner (trans.), Pennsylvania, 2000, p.35.

آنها را گرامی بدارند، شب و روز درباره آنها بیندیشند، در آنها خوشی بیابند، آنها را در قلوب خود حک کنند،<sup>۱</sup> و با رعایت آنها به آب حیات دست یابند.<sup>۲</sup> یهودیان همچنین با رعایت این قوانین می‌توانند به اراده الهی مومن باشند و با استقرار پادشاهی خدا، اهداف خلقت را تحقق بخشند و ملکوت خداوند را که در آن مخلوقات می‌توانند در صلح و دوستی زندگی کنند، برپا دارند.<sup>۳</sup>

شریعت پیوند مستقیم و نزدیکی با بحث‌رهای و راست و درست شمرده شدن<sup>۴</sup> در نزد خداوند دارد، زیرا آنان بر این باورند که رعایت احکام شریعت باعث رستگاری آنها نزد خداوند خواهد شد.<sup>۵</sup> افزون بر اینها، شریعت مهم‌ترین عامل تمیز یهودیان از غیریهودیان، و همچنین مهم‌ترین عامل نگهداری تمامیت مرزهای اخلاقی آنان به شمار می‌آید و مهم‌تر از همه، چاره‌ای برای مبارزه با گناه است.

#### موضع پولس درباره شریعت و رابطه او با قوم یهود

پیش از پرداختن به دیدگاه پولس در باره شریعت، باید اشاره کرد که او به‌رغم ایمان به مسیح، هیچگاه قوم یهود و برادران دینی پیشین خود را رد نکرد. او در مناسبت‌های مختلف به یهودی بودن و به‌ویژه فریسی بودنش اقرار نمود<sup>۶</sup> و هیچگاه خود را یک مسیحی نخواند<sup>۷</sup> و از این رو، تغییر کیش پولس به معنی روی برگرداندن از یک دین و پذیرش یک دین کاملاً جدید، برای نمونه از یهودیت به مسیحیت، نیست.<sup>۸</sup> او همچون دیگر مسیحیان اولیه، آیین مسیحی را ادامه آیین یهود می‌دانست.<sup>۹</sup> در واقع، گرویدن پولس به مسیح تحولی بود که در درون یک دین صورت پذیرفت و در بطن خود، به منزله عبور از مرحله‌ای

1. Tischler, N.M., *All Things in the Bible*, London, 2006, vol.1, p.359.

2. Barth, K., *The Epistle to the Romans*, E.C. Hoskyns(trans.), London, 1968, p.62.

۳. پت فیشر، ماری، *دایرةالمعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۳۸۶.

4. Murphy- O'Connor, J., *Paul: A Critical Life*, London, 1997, p.14.

۵. صادق نیا، مهرباب، ص ۳۶.

6. Murphy- O'Connor, J., p.1.

7. Flinn, F.K., *Encyclopedia of Catholicism*, New York, 2007, p.508.

8. Eherman, B.D., *Peter, Paul and Mary Magdalene*, Oxford, 2006, p.101.

۹. مک گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، ۱۳۸۴ش، ص ۳۰.

نازل تر به مرحله‌ای والاتر، حرکت از دین جسمانی به دین روحانی، و یا فرارفتن از شریعت و رسیدن به عرفان بود. او به‌رغم ایمان به مسیح، در بیشتر موارد به میراث فکری و دینی پیشین خود کاملاً وفادار بود و بیشتر عبارات‌های الهیاتی که در نامه‌هایش به کار می‌برد، همچون پسر خواندگی، جلال، امانت، شریعت، و حتی نجات، به واسطه ایمان برگرفته از آموزه‌های کتاب مقدس بود.<sup>۱</sup>

بر خلاف عقیده بسیاری از الهی‌دانان مسیحی، با اندکی تأمل در جملاتی که در رساله‌های او به یادگار مانده‌اند، راجع به دیدگاه او درباره شریعت به جرات می‌توان گفت که پولس نه منکر شریعت بود و نه تحریف‌کننده آن، بلکه عمیقاً به شریعت پایبندی داشت، زیرا هرگز در پی آن نبود که شریعت یهودی (هلاخا) را از میان ببرد<sup>۲</sup> و یا رویکردی اباحه‌گرایانه در برابر آن داشته باشد.<sup>۳</sup> او خود معترف بود که در نزد خداوند بی‌شریعت نیست<sup>۴</sup> و بر اساس تعالیم شریعت تربیت شده است.<sup>۵</sup> از دیدگاه پولس شریعت نه تنها بی‌فایده نیست،<sup>۶</sup> بلکه آگاهی بخش نیز هست و خداوند با اعطای شریعت، یهودیان را از خواب غفلت بیدار ساخت.<sup>۷</sup> به باور پولس، شریعت نیکو، و مقدمه افزایش فیض و لطف خداوندی است و کسی که با شریعت تربیت شود، چیزهای افضل را برمی‌گزیند.<sup>۸</sup> او به آنان که در ایمان ضعیف بودند، توصیه می‌کرد که به هیچ وجه دست از شریعت نکنند و به آنانی که در ایمان قوی بودند، هشدار می‌داد که مبدا اعمال آنها در زمینه‌های خلاف شریعت موجب نابودی آنان بشود، کسانی که مسیح به خاطر آنها مرد.<sup>۹</sup> او حتی برتری یهود یهود را به این دلیل می‌دانست که کلام خداوند به آنها امانت داده شده است.<sup>۱۰</sup> به باور او،

1. Baur, F.C., *Paul the Apostle of Jesus Christ*, London, 1873- 75, p.305.

۲. کونگ، هانس، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، ۱۳۸۴ش، ص ۶۳.

۳. صادق نیا، مهرباب، ص ۵۵.

۴. اول قرنتیان، ۲۱:۳.

۵. اعمال رسولان، ۳:۲۲.

6. Constable, L.Th., *Notes on Romans*, Dallas, 2009, p.44.

7. Calvin, John, *Commentary on Corinthians*, J. Pringle(trans.), Grand Rapids, 1999, vol.2, p.37.

۸. رومیان، ۱۸:۲، ۲۰:۵.

9. Borg, M.J. & Crossan, J.D., *The First Paul*, NewYork, 2009, p.185.

۱۰. رومیان، ۲:۳.

ایمان موجب استواری شریعت می‌گردد.<sup>۱</sup> پولس معتقد بود عهدی که خداوند با مسیح بسته بسته است، به هیچ وجه شریعت را باطل نمی‌سازد.<sup>۲</sup> به باور او شریعت بر خلاف وعده نبود.<sup>۳</sup> پولس حتی عیسی (ع) را انجام شریعت برای عدالت می‌دانست.<sup>۴</sup> از دیدگاه او شریعت شریعت مقدس بود<sup>۵</sup> و تخطی از آن اهانت به خداوند به شمار می‌آمد.<sup>۶</sup> وی معتقد بود که مختونان موظف‌اند شریعت را مو به مو اجرا کنند و ختنه زمانی مفید است که منظور از انجام آن، عمل به شریعت باشد.<sup>۷</sup> او می‌کوشید تا به یهودیان یادآوری کند که تنها شنیدن شریعت کافی نیست و نه شنوندگان شریعت، بلکه عاملان به آن رستگار خواهند شد.<sup>۸</sup> پولس بر این باور بود که دانش درست را می‌بایست از شریعت دریافت<sup>۹</sup> و خود در بسیاری از رساله‌هایش به اقتضای شرایط، احکام تورات را با این بیان که «چنان که مکتوب است»، بیان می‌کند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «چنان که مکتوب است تا اینکه در سخنان خود مصدق شوی و در داوری خود غالب آیی»؛<sup>۱۰</sup> یا «چنان که مکتوب است که اینک در صهیون سنگی مصادم و صخره لغزش می‌نهم و هر که بر او ایمان آورد، خجل نخواهد شد».<sup>۱۱</sup> با این همه، او متهم بود که مردم را دعوت می‌کند تا بر خلاف شریعت عمل کنند.<sup>۱۲</sup>

---

۱. رومیان، ۳: ۳۱.

۲. غلاطیان، ۳: ۱۷.

۳. همان، ۳: ۲۱.

۴. رومیان، ۱۰: ۴.

5. Lawson, A., *The Theology of the Apostle Paul*, Marshfield, 2007, p.4.

6. Calvin, John, vol.2, p.60.

۷. رومیان، ۲: ۲۵.

8. Calvin, John, vol.2, p.59.

9. Ibid.

۱۰. رومیان، ۳: ۴.

۱۱. همان، ۹: ۳۳.

۱۲. اعمال رسولان، ۱۸: ۱۳.

اکنون سوال اساسی این است که چرا با وجود اعتقاد و باور جدی پولس به شریعت، و اعتراف او به داشتن شریعت و بی‌شریعت نبودن نزد خداوند،<sup>۱</sup> از میان یهودیان راست‌کیش و متعصب او متهم به نفی شریعت شد؟ و چرا تصور بر آن بود که وی انجیل بی‌شریعت را تبلیغ می‌کند؟<sup>۲</sup>

از نظر نگارنده، برای درک بهتر دیدگاه پولس درباره نفی و یا عدم نفی شریعت باید به سه پرسش اساسی پاسخ داد. نخست اینکه نفی شریعت توسط پولس امری نسبی است یا مطلق؟ دوم اینکه انواع شریعت‌هایی که او در رساله‌های خود به آنها اشاره می‌کند کدام‌اند و این شریعت‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ و پرسش آخر اینکه از میان این شرایع، پولس کدام شریعت را می‌پذیرد و کدام‌ها را نفی می‌کند؟

در زمینه پرسش نخست می‌بایست به این نکته توجه کرد که از دیدگاه پولس نفی شریعت نسبی است و نه مطلق. پس از مواجهه پولس با مسیح، و انقلابی که در اندیشه‌ها و رویکرد او نسبت به آموزه‌های یهودیت به وجود آمد، وی درباره شریعت نیز رویکرد جدیدی اتخاذ نمود و آن را از دیدگاه جدیدی ارزشیابی کرد. پولس شریعت را کوچک نشمرد، بلکه بر این امر تصریح کرد که شریعت به تنهایی غایت نیست، و تنها حکم دینی موقتی است که جلوه حقیقی گناه را آشکار می‌کند و انسان‌ها را برای ظهور منجی آماده می‌سازد.<sup>۳</sup> به بیان دیگر، برای پولس شریعت موسوی تا پیش از آن لحظه مهم تاریخی، شریعت هدف بود، اما پس از آن مکاشفه، شریعت هدف به شریعت وسیله تبدیل شد و از این رو، می‌توان از آن به لالا تعبیر کرد.<sup>۴</sup> وی دریافت که آنچه را که او مغز و گوهره اصلی شریعت می‌پنداشت، قشر و پوسته‌ای بیش نیست و از این رو، وی هدف بودن شریعت را نفی کرد و بر وسیله بودن آن پای فشرده. به دنبال تغییر رویکرد پولس به شریعت، رویکرد او در زمینه نجات نیز تغییر کرد، چنانکه دیگر نجات را در شریعت و عمل به آن نمی‌یافت، بلکه آن را در ایمان به عیسی مسیح، و باور به تصلیب جسم و زنده شدن به روح می‌دید.<sup>۵</sup>

1. Calvin, John, vol.1, p.188.

2. Luther, Martin, p.34.

۳. جمعی از نویسندگان، *دانشنامه فشرده ادیان زنده*، به کوشش آر. سی. زینر، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۷۷.

۴. صادق نیا، *مهراب*، ص ۴۷.

5. Utley, B., p.84.



پس نفی شریعت از دیدگاه پولس، نفی نجات‌بخش بودن آن است و نه شریعت به طور کلی.<sup>۱</sup>

### انواع شریعت و ویژگی‌های آنها از دیدگاه پولس

در زمینه پرسش دوم، با بررسی رساله‌های پولس می‌توان دریافت که او در رساله‌های خود دست‌کم از چهار نوع شریعت سخن می‌گوید. شریعت طبیعی،<sup>۲</sup> که پولس در رساله خود به رومیان به آن اشاره می‌کند، مربوط به امت‌هایی است که دارای شریعت مکتوب نیستند، خداوند برای آنها هیچ پیامبری نفرستاده است و به کتاب مقدس دسترسی ندارند، اما اعمال شریعت را برحسب وجدان و فطرت خدادادی خویش انجام می‌دهند. آنان از شریعتی که خدا در «فطرت‌شان» نهاده است، اطاعت می‌کنند.<sup>۳</sup> پولس بر این باور بود که آنها با اعمال‌شان ثابت می‌کنند که تصویری از عدالت و رستگاری را در ذهن‌شان دارند.<sup>۴</sup> به بیان دیگر، اگرچه به صورت ظاهر شریعت ندارند، اما قوانین شریعت در قلب آنها جاری است.<sup>۵</sup> است و به واقع دارای شریعت‌اند و به واسطه آن می‌توانند خوب و بد را تشخیص دهند، همچنان که یهودیان به واسطه شریعت قادر به تشخیص خوب از بد هستند.<sup>۶</sup> برای نمونه، وقتی خداوند می‌فرماید: «پدر و مادر خود را احترام نما، قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، بر همسایه خود شهادت دروغ مده، به خانه همسایه خود طمع نکن و ...»<sup>۷</sup> اینان نیز که این اعمال را انجام نمی‌دهند، در واقع به دستورات شریعت عمل می‌کنند. به باور پولس نامختوانی که احکام شریعت را انجام دهند، در واقع مختون شمرده می‌شوند.<sup>۸</sup> از دیدگاه او او یونانیان نماد شریعت طبیعی‌اند و هنگامی که قدرت خداوندی را جستجو می‌کنند، به واقع سوفیا یا عقل خداوندی را می‌جویند.<sup>۹</sup> از این رو، همانند یهودیان قوم خداوند به شمار

۱. صادق نیا، مهرباب، ص ۴۹.

2. Muller, E. S., *A Study of the Epistle to the Romans*, Shelton, 2004, p.67.

3. Barth, K., p.67.

4. Calvin, John, vol.2, p.54.

۵. رومیان، ۱۵:۲.

6. Calvin, John, vol.2, p.58.

۷. خروج، ۱۳:۳۴-۲۸؛ تثیبه، ۱۳:۴، ۱۰:۴.

۸. رومیان، ۲۶:۲.

9. Pagels, E.H., *The Gnostic Paul*, Philadelphia, 1975, p.55.

شمار می‌آیند و هیچ تفاوتی با قوم بنی‌اسرائیل ندارند و همانند آنها خداوند بر ایشان حکم خواهد کرد.<sup>۱</sup>

شریعت یهودی دومین شریعتی است که پولس رسول در رساله‌های خود از آن صحبت می‌کند. چنان که پیشتر نیز اشاره شد، شریعت یهود همان احکام و قوانینی است که خداوند در طور سینا به حضرت موسی(ع) نازل فرمود و شامل تورات کتبی و شفاهی است. در زمان حضرت موسی(ع) اکثر یهودیان بر این باور بودند که از آن رو که شریعت خداوند را نگه می‌دارند، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد و به واقع ختنه کردن آنها را از عذاب خداوند محافظت خواهد نمود.<sup>۲</sup>

شریعت گناه، سومین نوع شریعتی است که پولس در رساله‌های خود از آن سخن به میان می‌آورد.<sup>۳</sup> اما منظور پولس از شریعت گناه چیست؟ او بر این باور بود که با خطای آدم و هبوط او، انسان‌ها جلال و شکوه الهی خود را از دست دادند<sup>۴</sup> و از نظر روحی دچار دچار مرگ شدند و در نتیجه، گناه و به تبع آن مرگ سرنوشت محتوم آنان شد. پولس بر این باور بود که از آنجائی که مرگ پدیده‌ای عام است، گناه نیز جهانی است.<sup>۵</sup> از این رو، آنچه که بر جهان مسلط باشد، قوانین و احکام آن و یا به بیان دقیق‌تر، شریعت آن نیز بر جهان مسلط خواهد شد. او عمیقاً بر این باور بود که با هبوط انسان، گناه امر حاکم بر جهان شد و تا ظهور مسیح یا آدم دوم، بر جهان سلطنت خواهد کرد.<sup>۶</sup> از این رو، قانون آن و یا به عبارت دقیق‌تر شریعت آن نیز بر جهان مسلط خواهد بود.

از دیدگاه پولس ویژگی شریعت‌های طبیعی، یهودی و گناه، جسمانی بودن آنهاست.<sup>۷</sup> او معتقد بود که جسمانی بودن پیامدهایی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: به هیچ وجه عدالت شریعت به واسطه جسم حاصل نمی‌شود؛ جسمانیان تنها قادرند که در امور جسمانی تفکر کنند. از دیدگاه او، تفکر جسمانی دشمنی با خدا به شمار

1. Barth, K., p.67.

2. Constable, L.Th., p.30.

۳. رومیان، ۸: ۲.

4. Muller, E.S., p.128.

5. Constable, L.Th., p.102.

6. Pagels, E.H., p.27.

۷. رومیان، ۷: ۲۵.

می‌آمد که از طریق آن نمی‌توان خداوند را خشنود ساخت؛<sup>۱</sup> به زعم او حسد، جدایی و نزاع از دیگر ویژگی‌های جسمانی بودن است<sup>۲</sup> و بنابراین، جسمانیان نمی‌توانند به اخلاص خدایی عمل کنند؛<sup>۳</sup> او بر این باور بود که خواهش جسم بر خلاف روح است.<sup>۴</sup> زنا، فسق و فجور از اعمال جسم است<sup>۵</sup> و هر که جسمانیت خود را پرورش دهد، به یقین فساد درو خواهد کرد؛<sup>۶</sup> و مهم‌تر از همه اینکه جسمانیان گناهکارند و در میان آنها هیچ امر مقدسی یافت نمی‌شود.<sup>۷</sup>

از دیدگاه پولس، شریعت طبیعی و شریعت یهودی افزون بر جسمانی بودن ویژگی‌های دیگری نیز دارند، از جمله آنکه هر دوی آنها اسباب غضب و<sup>۸</sup> موجب افزایش خطاها هستند.<sup>۹</sup> میراث و میثاق از آنها حاصل نمی‌شود،<sup>۱۰</sup> حیات بخش نیستند،<sup>۱۱</sup> و باعث دشمنی انسان‌ها با یکدیگر می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

او بر آن باور بود که یهودیان اگرچه قوم برگزیدهٔ خداوندند، ولی نمی‌توانند از سلطهٔ گناه‌رهایی یابند. غیر یهودیان نیز که هیچ ادعایی دربارهٔ خداوند ندارند، هرگز قادر نخواهند بود که از سلطهٔ گناه‌رهایی یابند.<sup>۱۳</sup> پولس بر این باور بود که نه شریعت یهود و نه شریعت طبیعی قادر به رستگار کردن انسان نیستند و رستگاری از طریق آنها به‌دست نمی‌آید. به باور وی، بنی اسرائیل و غیر یهودیان که به دنبال رستگاری می‌رفتند، نتوانستند آن را به‌دست

۱. همان، ۴:۸-۸.

۲. اول قرنتیان، ۳:۳.

۳. دوم قرنتیان، ۱:۱۲.

۴. غلاطیان، ۵:۱۷.

۵. همان، ۵:۱۹.

۶. همان، ۶:۸.

7. Barth, K., p.57.

۸. رومیان، ۴:۱۵.

۹. همان، ۵:۲۰.

۱۰. غلاطیان، ۳:۱۹.

۱۱. همان، ۳:۲۱.

۱۲. افسسیان، ۲:۱۵.

13. Constable, L.Th., p.37.

آورند،<sup>۱</sup> زیرا آنها در شناخت عدالت خدا دچار خطا شده بودند و رستگاری خود را، که همان نجات از طریق اعمال بود، عدالت خداوند می‌پنداشتند، که نجات از طریق ایمان است.<sup>۲</sup> در واقع آنان در شناخت عدالت واقعی خداوند به خطا رفته بودند و به همین سبب، باعث شدند که سرّ خداوند مخفی بماند.<sup>۳</sup>

باید به این نکته توجه داشت که هنگامی که پولس بیان می‌کند که انسان نمی‌تواند از طریق اعمال در نزد خداوند راست و درست شمرده شود، به این دلیل نیست که از دیدگاه او قوانین شریعت ناقص‌اند؛ بلکه به این دلیل است که به‌جا آوردن شریعت دشوار است و هیچ‌کس نمی‌تواند تمامی شریعت (نه یهودی و نه طبیعی) را به کمال انجام دهد.<sup>۴</sup> او بر این باور بود که چنان که در کتاب مقدس نیز مکتوب است، هرکس که در انجام تمام شریعت ثابت قدم باقی نماند، ملعون است،<sup>۵</sup> زیرا چنانکه پیشتر اشاره شد، به باور وی، هم یهودیان و هم غیر یهودیان و حتی کسانی که مرتکب گناه نشده بودند، به سبب خطای آدم تحت سیطره گناه بودند<sup>۶</sup> و در واقع بنده گناه شمرده می‌شدند و زندگی آنها در خدمت گناه گناه بود.<sup>۷</sup> از این رو، نمی‌توانستند به اراده خود عمل کنند و مجبور بودند که همانند بردگان بردگان برخواست ارباب خود، یعنی شریعت گناه عمل کنند. آنها می‌خواستند اعمال شریعت را انجام دهند و کارهای خوب را می‌دانستند، ولی از آنجا که زیر سلطه گناه بودند،<sup>۸</sup> حتی پیش از آنکه خداوند شریعت خود را اعلام کند، قادر نبودند آنها را انجام دهند.<sup>۹</sup> چنانکه پولس در تمثیل زن منکوحه بیان می‌کند، انسان‌ها هم‌چون زن منکوحه تحت

۱. رومیان، ۳۱:۹.

۲. همان، ۳:۱۰.

3. Barth, K., p.60.

4. Ellwood, R.S., & Alles, G.D., *The Encyclopedia of World Religions*, New York, p.337.

۵. غلاطیان، ۱۰:۳.

6. Calvin, John, vol.2, p.119.

7. Dunn, J.D.G., *The Theology of Paul the Apostle*, Cambridge, p.129.

8. Martin, D.B., *Slavery as Salvation*, London, 1990, p.51.

۹. رومیان، ۲۱:۷.

تحت سیطرهٔ مرگ بودند<sup>۱</sup> و نمی‌توانستند از آن رهایی یابند، مگر اینکه مرگ، و به واسطهٔ آن گناه نیز از میان برود و آنان قادر به رستگار شدن باشند.

پولس در رساله‌های خود از شریعت دیگری نیز سخن به میان می‌آورد، شریعتی که در ذهن اوست و با شریعت جسمانی در تضاد است.<sup>۲</sup> وی از آن با عنوان شریعت خدا یاد می‌کند و خود را برگزیده شده برای ابلاغ آن می‌داند<sup>۳</sup> و این چیزی جز شریعت مسیح یا شریعت عشق نیست.<sup>۴</sup>

چنان که پیشتر اشاره شد، ظهور آفتاب حقیقت عیسای مسیح سایهٔ شک و دودلی را از دل پولس محو کرد و افق جدیدی را در برابر دیدگان او گشود و به گفتهٔ خودش، سرّ الهی را که قرن‌ها مستور بود، بر وی آشکار کرد. وی در سایهٔ این تجربهٔ عرفانی دریافت که نجات از طریق صرف انجام اعمال نیست، بلکه از طریق فیض و بخشش خداوندی است. بنابراین، نجات و عدالت خداوند را نه در سایهٔ انجام عمل، بلکه در ایمان به مسیح یافت. او بر این باور بود که هر جا به تبلیغ نزد غیر یهودیان می‌رفت، خداوند روح القدس را به آنها عطا می‌کرد و این خود دلیلی بر نجات به واسطهٔ ایمان بود.<sup>۵</sup>

به باور او، زمانی که انسان‌ها ضعیف و درمانده، و از یافتن راه نجات خود ناتوان بودند، اسیر نیروی پلید حاکم بر دنیا، یعنی گناه شدند. خداوند از روی فیض و لطف بی‌کران خود با فدیة دادن مسیح راه نجات و رهایی، و بالاتر از همه رستگاری و راست و درست شدن را به آنان آموخت.<sup>۶</sup> او به انسان نشان داد که تنها راه نجات از شر نیروی شیطانی گناه، به صلیب کشیدن جسم است. برای پولس ایمان آوردن ابراهیم(ع) نماد رستگار شدن از طریق ایمان بود.<sup>۷</sup> او بر این باور بود که ابراهیم(ع) ابتدا ایمان آورد و توسط خداوند رستگار شناخته شد و سپس ختنه را که نشانهٔ ایمان بود، انجام داد.<sup>۸</sup>

۱. صادق نیا، مهرباب، ص ۴۳.

2. Pagels, E.H., p.33.

۳. اعمال رسولان، ۱۵:۹.

4. Pagels, E.H., p.72.

5. Luther, Martin, p.35.

6. Pagels, E.H., p.26.

7. Muller, E.S., p.95.

۸. رومیان، ۱۱:۴.

اما پرسش اساسی این است که از دیدگاه پولس، شریعت مسیح چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ پیش از پرداختن به این پرسش باید به دو نکته توجه کرد: نخست این که چنانکه پیشتر اشاره شد، از دیدگاه پولس ظهور عیسی مسیح در رابطه با سرنوشت قوم بنی‌اسرائیل است و تحول و اصلاحاتی که عیسی(ع)<sup>۱</sup>، و به دنبال او پولس در دین بنی‌اسرائیل بوجود می‌آورد، در راستای سرنوشت قوم یهود و در ادامه عهد قدیم است.<sup>۲</sup> زیرا او معتقد است که خداوند آنها را از خلق عالم برگزیده است تا به واسطه قوم خود انسان‌ها را نجات دهد. دوم اینکه برای پولس عیسی(ع) پیامبر الگو است، نه پیامبر اخلاقی.<sup>۳</sup> اخلاقی.<sup>۳</sup> در توضیح باید گفت که همه عیسی(ع) را به عنوان یک پیامبر اخلاقی می‌شناختند، پیامبری که نوعی راه زندگی را برای پیروانش موعظه می‌کند و از آنها می‌خواهد که به آن عمل کنند تا به رستگاری برسند. مجموعه تعالیمی که از عیسی(ع) برجا مانده، به‌ویژه موعظه او بر کوه، نماد این جنبه از پیامبری وی است.

اما پولس بر این باور بود که این نوع پیامبری تنها جنبه پیامبری عیسی(ع) نیست و او افزون بر تعالیم و موعظش، تعلیم برتر دیگری نیز داشته است که پولس خود را مکلف به ابلاغ آن می‌دانست و آن را نقطه تمایز خود از دیگر رسولان می‌شمرد.<sup>۴</sup> به بیان دیگر، عیسی(ع) افزون بر تعالیم عام خود که عامه ایمان آورندگان مخاطب آن بودند، تعلیم دیگری نیز داشت که خاصان و برگزیدگان ایمان آورندگان را مورد خطاب قرار می‌داد، کسانی که آماده بودند تا نفس خود را همانند او به قربانگاه ببرند و با مرگ خویش حیات جاودانی را به دست آورند. این تعلیم عیسی(ع) در واقع مرگ و رستخیز او بود و پولس چنین باور داشت که او با این عمل خود، الگویی را برای خواص ایمان آورندگان ارائه داد. او این تعلیم را نه با گفتار خویش، بلکه با جانش، و نه بر روی کوه، بلکه بر روی صلیب ارائه کرد. بنابراین از دیدگاه پولس شریعت مسیح، شریعتی عرفانی است و از همین روست که او عبادت معقول ایمان آورندگان را قربانی کردن بدن‌هایشان می‌دانست.<sup>۵</sup> او معتقد بود

۱. هاشمی، سید علی، ص ۱۳۶.

2. Constable, L.Th., p.78.

۳. هملیتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۷۸ش، ص ۲۳۴.

4. Pagels, E.H., p.55.

5. Idem, p.66.

که اگر موسی(ع) با ریختن خون قربانی بر روی مذبح یهوه، بنی اسرائیل را یک تن کرد، مسیح با قربانی کردن خود بنی اسرائیل را نه به جسم، بلکه به روح یکی کرد. از دیدگاه پولس شریعت مسیح، شریعتی روحانی، و نه جسمانی است، زیرا ثمره جسم مرگ است و هنگامی که انسان به مسیح ایمان آورد و مسیح در او ساکن شود، آنگاه او دیگر انسان جسمانی نیست، بلکه از جسم به روح ارتقا می‌یابد. از این رو، از دیدگاه پولس، در جسم مانند چنین فردی بازگشت به عقب، و عین جهالت است. پیروی کردن چنین فردی از شریعتی که متقاضی طبیعت جسمانی فرد است، عین نادانی است. بنابراین، ضروری است که شریعت او نیز همراه با انسانیت او ترقی یابد و همانند انسانیت او روحانی شود. او بر این باور بود که عیسی(ع) با قیام و رستاخیز خود نه تنها انسانیت افراد، بلکه همچنین دینداری آنها را نیز تعالی داد و به آنها آموخت که راه رهایی از گناه، مرگ اختیاری از صفات بشری است، مرگی که زندگی را در بردارد و انسان به طبع آن خدایی می‌شود.

شریعت مسیح شریعت ایمان است<sup>۱</sup> و پولس آن را در برابر شریعت عمل مطرح می‌کند. به باور وی، به واسطه شریعت ایمان انسان می‌تواند از مرگ رهایی یابد، نعمت حیات را به دست آورد، با خداوند رابطه مسالمت‌آمیز داشته باشد، وارث میثاق باشد، پسرخوانده خداوند شود، عمق هر چیز را دریابد، درباره هر چیز حکم کند، نزد خدا راست شمرده شود، به ادراک سر خداوند برسد و خلقت تازه‌ای بیابد.<sup>۲</sup>

او بر این باور بود که شریعت مسیح بیان‌کننده و آشکارکننده سر الهی است، سرّی که انسان‌ها به سبب گناهکاربودن و گرفتاربودن در عالم ماده، قادر به درک آن نیستند، اما اکنون خداوند به فضل خویش و به واسطه عیسی(ع) آن را مکشوف کرد و آن چنین بود که خدا در جسم ظاهر شد و به روح تصدیق گردید.<sup>۳</sup>

پولس همچنین بر این باور بود که شریعت عیسی مسیح رها کننده انسان از لعنت شریعت است. مسیح با اینکه بی‌گناه بود، ولی برای نجات انسان، گناه دیگران را به جان خرید و با فدیة کردن خویش، آنها را از نفرین شریعت نجات داد و به این ترتیب، عمل

1. Constable, L.Th., p.78.

2. Luther, Martin, p.205.

۳. اول تیموتائوس، ۳: ۱۶.

رهایی‌بخش خداوند در تاریخ به ظهور پیوست، چنانکه با رهایی انسان از سلطه گناه، عدالت خداوند کامل می‌گردد.

از دیدگاه پولس، شریعت مسیح، شریعت محبت است، یعنی آنکه محبت مکمل شریعت است.<sup>۱</sup> او بر این باور بود که شریعت در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن چیزی نیست جز آنکه انسان باید همسایه خود را چون خود محبت نماید.<sup>۲</sup> پولس همچنین باور داشت که اگر انسان‌ها بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوند، می‌توانند شریعت مسیح را به‌جا آورند.<sup>۳</sup>

از نظر پولس، شریعت مسیح یهودیان و غیر یهودیان را که به سبب گناهکار بودن از خداوند دور شده بودند، دوباره به خداوند پیوند داد.<sup>۴</sup>

شریعت مسیح همچنین وحدت‌بخش است و به واسطه آن همه یهودیان و غیر یهودیان در تن او، که کلیساست، شریک می‌شوند و به این طریق از عداوت و دشمنی ناشی از شریعت جسمانی و گناه رهایی می‌یابند و به وحدت می‌رسند.<sup>۵</sup>

افزون بر این، شریعت مسیح حیات‌بخش است،<sup>۶</sup> زیرا مسیح با مرگ خویش و رهایی از گناه، حیات و زندگی را به ارمغان آورد، چندان که به باور او، در شریعت مسیح حیات سلطنت می‌کند.<sup>۷</sup>

از سوی دیگر، شریعت مسیح برای همه مایه هدایت نیست، بلکه برای آنانی که در حیطة جسم مانده‌اند، صخره مصادم است و باعث لغزش و گمراهی آنان می‌شود.<sup>۸</sup> چنانکه یهودیان به دلیل تکیه بر شریعت و درک ناقص خود از عدالت خداوند، به عیسی (ع) ایمان

1. Constable, L.Th., p.148.

۲. غلاطیان، ۱۴:۵.

۳. همان، ۲:۶.

4. Calvin, John, vol.2, p.258.

5. Pagels, E.H., p.79.

۶. اول قرنتیان، ۱۵: ۴۵.

۷. رومیان، ۷:۵.

۸. اول سموئیل، ۳۱:۲۵.



نیاوردند و همین امر باعث لغزش آنها شد. پولس در این زمینه می‌گوید: «و داود می‌گوید که مائده ایشان برای ایشان تله و دام و سنگ مصادم و عقوبت باد».<sup>۱</sup>

به باور وی، مائده فکری و روحانی‌ای که شریعت جسمانی در اختیار انسان قرار می‌دهد، در واقع دام و تله‌ای است که باعث لغزش و ایمان نیاوردن آنها به مسیح می‌شود. اما کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند و همراه با او جسمانیت خود را به صلیب کشیده‌اند و به روح زنده شده‌اند، و به واقع او باعث هدایت آنها می‌شود. قوت و نقشه حکیمانه خداوند برای نجات یهودیان و غیریهودیان در شریعت مسیح است.<sup>۲</sup> استفاده از حکمت ظاهری برای معرفت مسیح عین جهالت است، زیرا اراده خداوند بر این بوده است که انسان به هیچ وجه قادر نباشد تا با حکمت خود به معرفت خداوند برسد<sup>۳</sup> و اگر این چنین بود، یونانیان و یهودیان می‌بایست به معرفت خداوند می‌رسیدند و هیچ گاه عیسی را مصلوب نمی‌کردند.<sup>۴</sup>

او همچنین بر این باور بود که سرّ الهی و حکمت مخفی خداوند در شریعت مسیح نهفته است و تمامی خزائن حکمت و علم در او مخفی است. از آنجا که خداوند می‌دانست که انسان با حکمت خود قادر نیست که او را بشناسد، پس به واسطه یگانه پسر خود، سرّ مخفی خود را آشکار کرد که چیزی جز نجات و شناخت خداوند از طریق ایمان به مسیح نیست. از طریق حکمت موجود در شریعت مسیح است که کمال مسیح در انسان ظاهر می‌شود. ساکن شدن او در ایمان‌آوردندگان باعث خواهد شد<sup>۵</sup> که به تبعیت از او، حکمت و علم مخفی نیز در انسان ساکن شود.

پولس تعمید را بر دو گونه می‌دانست که شاید بتوان آنها را تعمید ظاهری و تعمید باطنی نامید. تعمید اول که برای عموم ایمان‌آوردندگان است، همان تعمید به واسطه آب است که آنها را به آیین مسیح در می‌آورد و با مسیح پیوند می‌دهد.<sup>۶</sup> البته باید در نظر داشت داشت که پولس چنین تعمیدی را چندان مهم نمی‌دانست و بر این باور بود که به جز

۱. رومیان، ۹:۱۱.

۲. اول قرنتیان، ۲:۴.

3. Pagels, E., H, p.56.

4. Keener, C.S., *1-2 Corinthians*, Cambridge, 2005, p.37.

5. Calvin, John, vol.1, p.173.

۶. صادق نیا، مهرباب، ص ۴۲.

کرسپس و قایوس کسی را چنین تعمیدی نداده است.<sup>۱</sup> تعمید دوم، تعمید در موت،<sup>۲</sup> یعنی به واسطه صلیب است که از طریق آن، ایمان‌آوردگان همچون مسیح جسمانیت خود را به صلیب می‌کشند و به برکت و فیض خداوند متعال، از مرگ رهایی می‌یابند و با رستاخیز او، آنها نیز از مرگ می‌رهند. به باور پولس، برای دست یافتن به آزادی و خلاصی یافتن از چنگ مرگ، انسان باید فطیر کهنه را که همان شریعت عمل است، کنار بگذارد و فطیر تازه را که همان شریعت ایمان است، برگیرد. همچنان که یهودیان با ذبح کردن گوسفند، خاطره رهایی خود از سلطه مصریان را جشن می‌گیرند،<sup>۳</sup> انسان نیز باید با کشتن جسم خود و تخلیق به صفات الهی، رهایی خود از یوغ گناه را جشن بگیرد. مختون شدن که در دین یهود علامت ایمان است،<sup>۴</sup> در شریعت مسیح نیز علامت ایمان به‌شمار می‌آید، اما ختنه در این شریعت جسمانی نیست، بلکه روحانی است و آن چیزی جز ختنه جسمانیت نیست.<sup>۵</sup> از این رو، پولس معتقد است که ختنه باید قلبی باشد.<sup>۶</sup>

#### برتری عهد جدید بر عهد قدیم

پولس بر این باور بود که برتری شریعت مسیح از آن روست است که در عهد قدیم یا دوره شریعت، مردم از نظر فکری و معنوی در دوران طفولیت خود بودند و به همین سبب، موسی (ع) بر روی حقیقت، یعنی جلال و عظمت الهی نقاب می‌کشید و سرّ الهی را در پرده بیان می‌کرد. یعنی آنکه این مردم قادر نبودند که به موسی (ع) بنگرند و حقیقت الهی را دریابند. به بیان دیگر، انسان‌ها به دلیل ماندن در زیر سلطه و حکومت مرگ، و به دلیل ماندن در جسم، هنوز از نظر روحی ضعیف بودند و توانایی آن را نداشتند تا بدون حجاب، جلال و سرّ الهی را دریافت کنند. پولس براین باور بود که این دوره محدود بود و روزی پایان می‌یافت و به همین سبب نیز خداوند فرامین خود را نه بر دل‌ها، بلکه بر الواح سنگی

۱. اول قرنتیان، ۱: ۱۳-۱۴.

2. Calvin, John, vol.1, p.130.

3. Jacobs, L., "Passover", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1993, vol.11, p.204.

۴. رومیان، ۱۱:۴.

۵. کولسیان، ۱۲:۲.

6. Pagels, E.H., p.20.

نوشت. عیسی(ع) با مرگ و رستاخیز خود انسان‌ها را از مرتبهٔ جسمانیت به مرتبهٔ روحانیت تعالی داد و آنها قادر شدند تا بدون پرده بر جلال خداوندی نظاره کنند. به همین سبب، عیسی(ع) برخلاف موسی(ع) سرّ الهی را بدون پرده و آشکارا بیان می‌کرد و از این رو، عهد جدید شکوه و جلال بیشتری را ارائه می‌کند<sup>۱</sup> و برخلاف عهد قدیم، فانی نیست، زیرا خداوند آن را نه بر الواح سنگی، بلکه بر دل انسان‌ها نوشته است.

به باور پولس، تا هنگامی که انسان در چنگال جسمانیت اسیر است، هرگز قادر به درک حقایق الهی که اموری روحانی‌اند، نخواهد بود. یهودیان به دلیل ماندن در چنبرهٔ جسمانیت قادر نیستند مسیح را که سرّ الهی است، بپذیرند و هنوز هم بر این باورند که نجات به واسطهٔ شریعت ممکن است و به همین دلیل به او ایمان نیاوردند، و بنابراین، همان حجاب هنوز هم بر تورات باقی است.<sup>۲</sup>

از نظر نگارنده، پولس بر این باور بود که در شریعت مسیح نجات در سه مرحله انجام می‌پذیرد: نخست به صلیب کشیدن جسم؛ دوم ساکن شدن خداوند؛ و سوم رستگار شدن و نجات یافتن. هم چنین از نظر نگارنده مجرد بودن مسیح یا آدم دوم به این سبب بود که وی هوای نفسانی را که عامل اصلی هبوط آدم اول بود، در خود کشته بود. بنابراین، شریعت مسیح که اوج آن در صلیب متبلور است، به معنای از میان رفتن عوامل هبوط، و صعود دوبارهٔ انسان به سوی خداوند است.

بنابراینچه گفته شد، نفی شریعت توسط پولس امری نسبی است، نه مطلق، و دیدگاه او نسبت به انواع شریعتی که در رساله‌هایش به آنها می‌پردازد، کاملاً متفاوت است. پولس شریعت موسوی و شریعت طبیعی را به طور نسبی و مفهومی نفی می‌کند. وی با آنکه تمامیت آن دو شریعت را می‌پذیرد، اما اولی را جویای قدرت خداوند و دومی را جویای عقل خداوند می‌داند. نیز با آنکه خود بعد از ایمان آوردن به مسیح نیز قوانین شریعت را رعایت می‌کرد، اما آن دو را فاقد شاخصه‌های لازم برای نجات بشر می‌دانست. پولس شریعت گناه و مرگ را به طور کلی نفی می‌کند و فدیة شدن مسیح را در راستای رهایی از این شریعت، که پس از هبوط انسان بر جهان جاری بود، می‌داند. اما رویکرد او به شریعت

1. Keener, C.S., p.167.

۲. دوم قرتیان، ۱۵:۳.

مسیح کاملاً متفاوت با سه شریعت دیگر است. وی آن را به طور کامل می‌پذیرد و هدیه و نقشه حکیمانه خداوند برای نجات می‌شمارد و بر این باور است که تنها این شریعت است که می‌تواند جلال خدایی و گمشده انسان را به او بازگرداند و سایه شوم مرگ را از سر ابنای بشر بردارد.

### منابع

- اسمارت، نینیان، تجربه دینی بشر، ترجمه محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، ۱۳۸۴ش.
- پت فیشر، ماری، دایرةالمعارف ادیان زنده جهان، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران، ۱۳۸۹ش.
- جمعی از نویسندگان، دانشنامه فشرده ادیان زنده، به کوشش آر. سی. زینتز، ترجمه زهت صفای اصفهانی، تهران، ۱۳۸۹ش.
- صادق نیا، مهرباب، «پولس و شریعت»، هفت آسمان، ش ۲۵، ۱۳۸۵ش.
- کتاب مقدس.
- کونگ، هانس، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم، ۱۳۸۴ش.
- مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم، ۱۳۸۴ش.
- هاروی، ون آستن، فرهنگ الهیات مسیحی، ترجمه جواد طاهری، تهران، ۱۳۹۰ش.
- هاشمی، سید علی، «شریعت در مسیحیت»، معرفت، ش ۱۵۸، ۱۳۸۹ش.
- هملیتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۷۸ش.
- Atkinson, K., *Judaism*, Chelsea, 2004.
- Barth, Karel, *The Epistle to the Romans*, E.C. Hoskyns(trans.), London, 1993.
- Baur, F.C., *Paul the Apostle of Jesus Christ*, London, 1873- 75.
- Bayes, J., *The Threefold Division of the Law*, Newcastle, 2002.
- Borg, M.J. & Crossan, J.D., *The First Paul*, 2009.
- Calvin, John, *Commentary on Corinthians*, J. Pringle(trans.), Grand Rapids, 1999.
- Constable, L. Th., *Notes on Romans*, Dallas, 2009.
- Dunn, J.D.G., *The Theology of Paul the Apostle*, Camberidge, 1998.
- Eherman, B.D., *Peter, Paul and Mary Magdalene*, Oxford, 2006.
- Ellwood, R.S. & Alles, G.D., *The Encyclopedia of World Religions*, New York, 2007.
- Fleming, D., *Bridgeway Bible Dictionary*, Brisbane, 2004.
- Flinn, F.K., *Encyclopedia of Catholicism*, NewYork, 2007.
- Jacobs, L., "Passover", *Encyclopedia of Religion*, M. Eliade(ed.), NewYork, 1993, vol.11.
- Karesh, S.E. & Hurwitz, M.M., *Encyclopedia of Judaism*, NewYork, 2006.
- Keener, C.S., *1-2 Corinthians*, Cambridge, 2005.

- 
- Lawson, A., *The Theology of the Apostle Paul*, Marshfield, 2007.
  - Luther, Martin, *Commentary on the Epistle to the Galatians*, T. Graebner (trans.), Pennsylvania, 2000
  - Murphy-O'Connor, J., *Paul: A Critical Life*, London, 1997.
  - Martin, D.B., *Slavery as Salvation*, London, 1990.
  - Muller, E.S., *A Study of the Epistle to the Romans*, Shelton, 2004.
  - Pagels, E.H., *The Gnostic Paul*, Philadelphia, 1975.
  - Tischler, N.M., *All Things in the Bible*, E.C.Hoskyns(trans.), London, 2006.
  - Utley, B., *The Gospel According to Paul: Romans*, Texas, 1998.
  - Wright, N.T., *What St Paul Really Said*, Oxford, 1997.